





دانشگاه آزاد اسلامی

واحد مرودشت

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد روانشناسی

گرایش عمومی

عنوان:

مقایسه ویژگیهای شخصیتی، سبک های یادگیری در دانش آموزان عادی

و معلولین ناشنوا و نابینای شهر یاسوج

استاد راهنما:

دکتر سلطانه‌علی کاظمی

استاد مشاور:

دکتر حجت الله جاویدی

نگارش:

سید علی اکبری

تابستان 1392



صورتجلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد (M.A)

بدینوسیله دانشجو سید علی اکبری در مورخه 1392/4/30 از پایان نامه خود با عنوان:

" مقایسه ویژگیهای شخصیتی، سبک های یادگیری در دانش آموزان عادی و معلولین ناشنوا و نابینای

شهر یاسوج "

با درجه عالی و کسب نمره دفاع نموده است.

دکتر سلطانه‌علی کاظمی

..... استاد راهنما

دکتر حجت الله جاویدی

..... استاد مشاور

دکتر آذرمیدخت رضایی..... استاد داور

مدیر / معاونت پژوهشی

تقدیم به:

روح پدر اسوه صبر و تلاش

و

مادر دریای بی کران فداکاری و عشق

که وجودم برایش همه رنج بود و

وجودش برایم همه مهر

و

همسرم، اسطوره زندگیم، پناه

خستگییم و آفتاب پرفروغ زندگیم و

مهربان همسفرم

و

فرزند دلبنده و عزیزم، آریا

سپاسگزاری:

از استاد راهنمای گرانقدرم جناب آقای دکتر سلطانعلی کاظمی که در کمال سعه صدر، با حسن خلق و فروتنی، از هیچ کمکی در این عرصه بر من دریغ ننمودند کمال تشکر و قدردانی را دارم.

همچنین از استاد مشاور ارجمندم جناب آقای دکتر حجت الله جاویدی که زحمت مشاوره این پایان نامه را متقبل شدند نیز بسیار سپاسگزارم.

و از دوست خوبم جناب آقای فتح اله تقوی که در انجام این پروژه همکاری نمودند بسیار سپاسگزارم.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
1	چکیده.....
فصل اول: کلیات طرح	
2	مقدمه
3	بیان مسئله
9	اهمیت و ضرورت تحقیق
10	هدف پژوهش
10	فرضیه ها
11	تعاریف نظری و عملیاتی متغیرها
فصل دوم: ادبیات و پیشینه پژوهش	
14	شخصیت
15	ویژگیهای شخصیت
18	نظریه های مربوط به شخصیت
23	تعریف مفهوم یادگیری
27	سبک های وابسته به زمینه و ناوابسته به زمینه
27	سبک های تکانشی و تأملی
28	سبک های یادگیری کلب
29	تفکر (مفهوم سازی انتزاعی AC)
30	الف) سبک یادگیری همگرا

31.....	دیدگاه هانی و مامفورت در سبک های یادگیری
32.....	سبک یادگیری عملگرا
32.....	سبک یادگیری فعالیت گرا
32.....	سبک یادگیری گراشا- ریچمن
33.....	ویژگیهای افراد براساس سبک های یادگیری گراشا - ریچمن
33.....	سبک یادگیری دان - دان
34.....	یادگیری مشاهده ای
35.....	ناشنوایی
35.....	ساختمان گوش و عملکرد آن در شنیدن
37.....	تعریف آسیب های شنوایی
38.....	علل کم شنوایی
43.....	وسایل و دستگاههای کمکی برای ناشنوایان
45.....	نیازمندیهای توانبخشی فردی
45.....	مسیر روند اقدامات توانبخشی برای فرد ناشنوا از ابتدای طفولیت
46.....	اختلال بینایی
47.....	ساختار چشم
48.....	گروه بندی نابینایان
50.....	علل ضایعات بینایی
51.....	تعدادی از اختلالات و بیماریهای چشم
55.....	نیازمندیهای توانبخشی فرد نابینای از ابتدای طفولیت
55.....	سیر روند اقدامات توانبخشی برای فرد نابینا از ابتدای طفولیت
56.....	آشنایی با آموزش نابینایان و روشهای مورد استفاده
58.....	پیشینه پژوهش
67.....	جمع بندی

فصل سوم: روش پژوهش

68.....	روش تحقیق
69.....	جامعه آماری
69.....	نمونه و روش نمونه گیری
70.....	ابزار گردآوری داده ها
73.....	روش اجرای پژوهش
74.....	روش تجزیه و تحلیل داده ها
74.....	ملاحظات اخلاقی

فصل چهارم: یافته های پژوهش و تجزیه و تحلیل آماری

75.....	الف) یافته های توصیفی
78.....	ب) یافته های استنباطی

فصل پنجم: بحث و نتیجه گیری

89.....	خلاصه پژوهش
90.....	بحث و نتیجه گیری
92.....	دستاوردهای پژوهش
93.....	محدودیت های پژوهش
93.....	پیشنهاد های پژوهش
95.....	منابع
93.....	پیوست الف: پرسشنامه سبک یادگیری
95.....	پیوست ب: پرسشنامه شخصیت نئو

فهرست جداول

عنوان	صفحه
جدول 4-1: میانگین و انحراف استاندارد و انحراف میانگین در عامل های سبک یادگیری	74
جدول 4-2: میانگین و انحراف استاندارد و انحراف میانگین در عامل های ویژگی شخصیت	75
جدول 4-3: مقایسه عامل فعالیت گرایی از سبک یادگیری بین دانش آموزان عادی و نابینا و ناشنوا	76
جدول 4-4: مقایسه عامل اندیشه گرایی از سبک یادگیری بین دانش آموزان عادی و نابینا و ناشنوا	77
جدول 4-5: مقایسه عامل عملگرایی از سبک یادگیری بین دانش آموزان عادی و نابینا و ناشنوا	78
جدول 4-6: مقایسه عامل نظریه پرداز از سبک یادگیری بین دانش آموزان عادی و نابینا و ناشنوا	79
جدول 4-7: مقایسه عامل روان نژاد گرایی از سبک ویژگی شخصیتی بین دانش آموزان عادی و نابینا و ناشنوا	80
جدول 4-8: مقایسه عامل برون گرایی از سبک ویژگی شخصیتی بین دانش آموزان عادی و نابینا و ناشنوا	81
جدول 4-9: مقایسه عامل انعطاف پذیری از سبک ویژگی شخصیتی بین دانش آموزان عادی و نابینا و ناشنوا	82
جدول 4-10: آزمون تعقیبی توکی	82
جدول 4-11: معناداری بر اساس میانگین	83

جدول 4-12: مقایسه عامل توافق پذیری از سبک ویژگی شخصیتی بین دانش آموزان عادی و نابینا و ناشنوا.....	84
جدول 4-13: آزمون تعقیبی توکی	84
جدول 4-14: جدول معناداری بر اساس میانگین.....	85
جدول 4-15: مقایسه عامل باوجدان بودن از سبک ویژگی شخصیتی بین دانش آموزان عادی و نابینا و ناشنوا.....	86

چکیده

هدف از پژوهش حاضر مقایسه ویژگیهای شخصیتی، سبک های یادگیری در دانش آموزان عادی و معلولین ناشنوا و نابینای شهر یاسوج در سال تحصیلی 91-92 بود. این تحقیق از نوع علی - مقایسه ای بوده و جامعه آماری شامل 20 نفر دانش آموز نابینا (10 دختر و 10 پسر) و 20 نفر دانش آموز ناشنوا (10 دختر و 10 پسر) و 20 نفر دانش آموز عادی (10 دختر و 10 پسر) انتخاب گردیدند و گروه ناشنوا و عادی با توجه به سن، جنس، سال تحصیلی و وضعیت اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی با گروه نابینا هم‌تاسازی گردیدند. برای سنجش ویژگیهای شخصیتی از پرسشنامه پنج عاملی شخصیت نئو و برای سنجش سبک های یادگیری از پرسشنامه 40 سؤالی سبک یادگیری هانی و مامفورت استفاده گردید. داده ها از طریق نرم افزار SPSS و با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاکی از آن بود که بین سبک یادگیری (فعالیت گرایی، اندیشه گرایی، عملگرایی، نظریه پرداز) در دانش آموزان عادی و ناشنوا و نابینا تفاوت معنادار وجود ندارد و همچنین بین مؤلفه روان نژندگرایی از ویژگی شخصیتی در دانش آموزان عادی و نابینا و ناشنوا تفاوت معنادار وجود ندارد و بین مؤلفه برون گرایی از ویژگی شخصیتی در دانش آموزان عادی و نابینا و ناشنوا تفاوت معنادار وجود ندارد و بین مؤلفه بودن با وجدان بودن از ویژگی شخصیتی در دانش آموزان عادی و نابینا و ناشنوا تفاوت معنادار وجود ندارد ولی بین مؤلفه انعطاف پذیری از ویژگی شخصیتی در دانش آموزان عادی و نابینا و ناشنوا تفاوت معنادار وجود دارد و این تفاوت به نفع گروه نابینا نسبت به عادی و ناشنوا است و بین مؤلفه توافق پذیری از ویژگی شخصیتی در دانش آموزان عادی و نابینا و ناشنوا تفاوت معنادار وجود دارد و این تفاوت به نفع گروه ناشنوا نسبت به دو گروه دیگر بوده است.

کلید واژه ها: ویژگی های شخصیت، سبک یادگیری، دانش آموز نابینا، دانش آموز ناشنوا.

فصل اول

کلیات طرح

1-1- مقدمه

انسانها از لحاظ شکل و ظاهر با هم متفاوتند و به نظر می رسد که از لحاظ شخصیتی و ویژگی های رفتاری و شخصیتی با هم متفاوت باشند لزوماً چون هر انسانی تجربه متفاوتی نسبت به دنیای اطراف و حتی دنیای برونی دارند لذا اساساً باید از لحاظ ویژگی های شخصیتی و نوع یادگیری و سبکی که در آموختن و یادگرفتن به کار می برند نیز متفاوت باشند.

روان شناسان از نظر معنی و مفهوم شخصیت¹ با یکدیگر متفاوت هستند. اکثر آنها باور دارند که واژه شخصیت از کلمه لاتین پرسونا گرفته شده است که به ماسک نمایشی اشاره دارد که هنرپیشه های رومی در تئاتر یونانی بر چهره می زدند.. این هنرپیشه های رومی باستان، برای نمایش دادن یا ظاهری دروغین ماسک

¹.Personality.

بر چهره می زدند. البته این برداشت سطحی از شخصیت، تعریف معقولی نیست، وقتی روانشناسان اصطلاح شخصیت را بکار می‌برند منظورشان بیش از نقشی است که افراد بازی می‌کنند (فیست¹، 2002؛ ترجمه سیدمحمدی، 1388)

بعضی از افراد نابینا هستند و به طور کلی نابینا به افرادی گفته می‌شود که مجبورند خواندن را به وسیله بریل یا با استفاده از روش های سمعی (نظیر نوارهای شنوایی و صفحات گرامافون) یاد بگیرند (هالاها، کافمن، 1994، ترجمه جوادیان، 1378) از آنجائی که این افراد از حس دیدن محروم هستند و به نظر می‌رسد که در درک دنیای بیرون با افراد عادی متفاوت باشند لذا شاید ویژگی های شخصیتی و سبک یادگیری آنها نیز متفاوت باشد و از طرفی بعضی از افراد ناشنوا هستند و به طور کلی ناشنوا به افرادی گفته می‌شود که قبل از زبان آموزی یا پس از آن شنوایی خویش را به کلی از دست داده باشند بدان معنا که نه قادر به شنیدن است و نمی‌تواند صحبت سایرین را مستقیماً از راه گوش درک کند. ناشنوا حتی با استفاده از سمعک نیز به خوبی قادر به تشخیص صداهای محیط نیست (بهادری، 1368) و چون این افراد از حس شنوایی محروم هستند و لذا شاید ویژگی های شخصیتی و سبک یادگیری آنها نیز متفاوت باشد.

کسی که قوه بینایی و یا شنوایی خودش را از دست داده خیلی سخت است که تمام کارهای یک آدم بینا و شنوا را انجام بدهد. اما کسانی که یکی از مجاری حسی - مثلاً بینایی خود را از دست می‌دهند غالباً با پرورش مهارتهای حسی خود در مجاری دیگر مثلاً در شنوایی یا لامسه با این ضعف خود سازگار می‌شوند و آنرا جبران می‌کنند (سانتراک، 2003، ترجمه فیروزبخت، 1390)

به همین دلیل پژوهش حاضر می‌خواهد ویژگی های شخصیتی و سبک یادگیری افراد نابینا و ناشنوا و عادی را با هم مقایسه کند.

1-2- بیان مسئله

ویژگی شخصیتی و سبک یادگیری هر فردی متفاوت از افراد دیگر است بخصوص ویژگی شخصیتی که بسیار گوناگون است همچنین معلولین ناشنوا و نابینا که هر کدام در حسی دچار نقص هستند قطعاً بر سبک یادگیری و ویژگی های شخصیتی آنان تأثیر می‌گذارد لذا شناخت ویژگی های شخصیتی و سبک یادگیری این دسته از معلولین می‌تواند کمک شایانی به نحوه ارتباط با این دسته از معلولین نمود.

پژوهش در مورد سبکهای یادگیری از مطالعات مربوط به ابعاد روانشناسی، اجتماعی و فیزیولوژیک فرایند آموزش سرچشمه گرفته است. شناخت و درک مدل‌های مرتبط با سبکهای یادگیری یکی از پیشرفت

¹:Feist

های اساسی روانشناسی در قرن 20 است در واقع سبک یادگیری روش ثابت یادگیرنده برای پاسخگویی و بکارگیری محرک های موجود در موقعیت یادگیری است. بررسی مطالعات انجام شده در زمینه روانشناسی شناخت، بیانگر این نکته است که افراد دارای تفاوت های فردی مهمی در زمینه مسائل شناختی هستند که در حل مشکلات و تصمیم گیری به آنها اتکا می کنند. یکی از این ابعاد سبک های یادگیری است که در میان این طبقه بندیها از جایگاه مهمی برخوردارند (فام، 2001¹ به نقل از امامی پور، اسفند آباد، 1386).

کلن و هلزمن² معتقد بودند که هر تجربه ای اثر خود را در حافظه افراد بجا می گذارد که براساس این تجارب افراد اطلاعات را درک می کنند و توان جذب و ترکیب ایده ها و مفاهیم را بدست می آورند. این وضعیت تاثیر زیادی در برخورد فرد با وقایع جدید دارد (نوروزی، 1387).

بنابراین توانایی بالقوه افراد نیز برای یادگیری متفاوت است زیرا انسانها در موقعیت یکسان، متفاوت یاد می گیرند، که شاید مهم ترین دلیل آن سبک های متفاوت یادگیری آنان باشد این سبکها تعیین می کنند که در برخورد با یک موقعیت، فرد چه مدت، به چه چیز و به چه میزان توجه می کند و چه مکانیزمهایی را در یادگیری بکار می گیرد. بعبارتی دیگر فرد از چه سبکی استفاده می کند. اما تمام سبکها الزاما کمک کننده نخواهند بود و حتی ممکن است در برخورد مؤثر با موقعیت اخلال ایجاد کند (تقوایی، 1381).

یافته های پژوهشی دانشمندان علوم تربیتی و روانشناسی در زمینه یادگیری، افق های تازه ای را برای انسانها گشوده است. این یافته ها موجب شده است که آموزش و یادگیری به عنوان یک فعالیت تصادفی، بلکه به صورت یک روند علمی منظم تلقی شود. با شناخت سبک های یادگیری دانش آموزان نه تنها می توان در زمینه آموزش و یادگیری به آنان کمک نمود، بلکه می توان هر فرد را به رشته تحصیلی و شغل مناسب هدایت نمود. (عبادی، 1384).

افرادی که دارای سبک یادگیری حسی هستند، به کسب اطلاعات از طریق حواس، واقعه ها و مشاهدات تمایل دارند و علاقمند به یادگیری واقعه های عینی هستند، در حالیکه افراد دارای سبک یادگیری شهودی، به کسب اطلاعات از طریق نهادها و تفاسیر تمایل دارند و علاقمند به کشف روابط و احتمالات هستند. افراد دارای سبک یادگیری فعال، تمایل دارند که درباره ی اطلاعات با دیگران به بحث بپردازند یا آنرا برای دیگران توضیح دهند و به انجام کار بصورت گروهی علاقه دارند. در حالیکه افراد دارای سبک یادگیری تاملی، تمایل دارند درباره ی اطلاعات در آرامش به تفکر بپردازند و کار بصورت انفرادی را می پسندند. افرادی دارای سبک یادگیری دیداری به کسب اطلاعات از طریق اشکال، نمودار و تصاویر تمایل دارند، در حالیکه افراد دارای سبک یادگیری کلامی به کسب اطلاعات از طریق کلمات، چه به صورت کلمات نوشته شده یا به صورت توضیحات کلامی (شفاهی) علاقمندند. افراد دارای سبک یادگیری متوالی،

¹pham
².kolna&helzman

به درک مطالب در مراحل منظم تمایل دارند. مرحله‌ای که هر یک بطور منظمی مراحل پیشین را دنبال می‌کند. از سوی دیگر، افراد دارای سبک یادگیری کلی، به یادگیری در پرسشهای بزرگ علاقه دارند و مطالب را تقریباً بصورت تصادفی و بدون توجه به روابط بین آنها جذب و سپس بطور ناگهانی درک می‌کنند. (فلدر¹، 1993 به نقل از امامی پور، اسفندآباد، 1382).

همه نظریه پردازان علی رغم نظریه‌ها و مدل‌های متفاوت در زمینه سبک‌های یادگیری توافق دارند که افراد به شیوه‌های متفاوتی اطلاعات و تجارب را ادراک، سازمان بندی، تحلیل و پردازش می‌کنند یعنی افراد به جهان بطور یکسان نمی‌نگرند و ممکن است هر فرد در مقایسه با دیگری علایق و تمایلات متفاوتی در نحوه یادگیری داشته باشد (امامی پور، اسفند آباد، 1386).

در برنامه ریزی توسعه و مدیریت اجرایی، نیروی انسانی مهم ترین عامل در جهت تحقق اهداف تلقی می‌گردد و در این راستا توجه به تفاوت‌های فردی برای درک رفتار انسان ضرورت دارد. بدیهی است اختلافات فردی باعث بسیاری از تفاوت‌های رفتار انسانی است و نخستین سرچشمه این امتیازات شخصیت آدمی است. لذا شناخت خصلتها، توانمندیها، ناتوانی‌ها، نگرش و احساسات انسان و نیز درک و فهم علل رفتارها از دیر باز مورد توجه و علاقه اندیشمندان علوم اجتماعی مانند روانشناسان، مردم شناسان، متفکران تعلیم و تربیت و جامعه شناسان بوده است. بدون شک تطبیق توانایی‌ها و استعداد‌های فرد با مشاغل مورد نیاز جامعه باعث کارایی و ثمر بخشی بیشتر، بهبود کیفیت کار، موفقیت و رضایت او می‌شود. مطالعات نشان داده است که ممکن است مشکلات مشترک سازمانها، واقعاً با عوامل شخصیتی مرتبط باشد (بلاک²، 1981).

افراد از لحاظ استعدادها، علایق و توانایی‌ها و دیگر خصوصیات شخصیتی با یکدیگر متفاوتند. موفقیت در انجام کار نیز مستلزم توانایی و استعداد خاصی است که برنامه ریزی دقیق و تنظیم جهت هدایت شغلی افراد که نه تنها کمک ارزنده‌ای در جهت بازدهی و رونق اقتصادی جامعه است، بلکه سبب رضایت و موفقیت بیشتر در کارایی فرد می‌شود (دعایی، 1377).

ویژگیهای منحصر به فرد شخصیتی اساس تمام تفاوت‌های فردی را در بین انسانها تشکیل می‌دهد. شخصیت عبارت است از سبک‌های ویژه‌ای که هر فرد در فکرکردن و رفتار کردن دارد. بعبارت دیگر نحوه فکرکردن و رفتار کردن هر فرد منعکس کننده شخصیت اوست. بدین ترتیب، اگر شخصیت فرد یا الگوهای معمولی پاسخهای وی را در موقعیت‌های مختلف بشناسیم، قادر خواهیم بود رفتار او را در موقعیت‌های جدید، پیش بینی کنیم (آزاد، 1372).

¹felder
²Beluk

براساس نظریه صفات شخصیت، جنبه های مهم رفتار و تجارب آدمی را می توان با تعداد محدودی از صفتها توصیف کرد. هریک از این صفات در جامعه توزیع بهنجار دارد. در سالهای اخیر این نظریه براساس الگوی 5 عامل شخصیت تعیین می شود (مک کرا و کاسته 1992) براساس این الگو، شخصیت انسان را می توان بوسیله 5 عامل بزرگ تبیین کرد.

این 5 عامل عبارتند از: روان رنجورخویی، برون گرایی، پذیرش، سازگاری و وظیفه شناسی (مک کرا و کاسته، 1992)

کورت (به نقل از اکسی، 2004) در بیان تفاوت های فردی، با توجه به صفات شخصیت اشاره می کند که روان رنجورخویی (N) به تمایل فرد به تجربه هیجانات منفی از قبیل اضطراب، افسردگی، خشم، تنش، ترحم جویی، کینه ورزی، تکانش وری و عزت نفس پایین اشاره می کند. برون گرایی (E) به تمایل فرد به پرانرژی بودن، قادر معاشرتی بودن، جرات طلبی و صمیمی بودن اطلاق می شود. پذیرش (ه) به تمایل فرد به غیرستنی و تخیلی بودن و علاقه مندی به هنر اشاره می کند. سازگاری (A) به تمایل فرد به اعتمادورزی، کمک کنندگی و بخشندگی، مهربانی، سخاوت، همدلی و نوع دوستی اشاره می کند و وظیفه شناسی (C) به تمایل فرد به قابل اعتماد بودن، کوشا و منظم بودن، کارآمد بودن، پیشرفت مداری، منطقی و آرام بودن اشاره می کند. بالا و پایین بودن یک یا چند عامل از این 5 عامل باعث می شود که شخصیت منحصر به انسان شکل بگیرد. مثلاً یک فرد روان رنجور (N) فردی است که به خاطر طبیعت اساساً منفی اش حوادث منفی تری را در زندگی نسبت به افراد دیگر تجربه می کند، زیرا بدنبال محیط هایی است که احساسات منفی را تقویت می کند. این فرد، طبیعتاً در مقابل مشکلات و مسائلی که در محیط های مختلف آموزشی و شغلی برایش اتفاق می افتد، سریعتر احساس درماندگی می کند و سعی می کند از واقعیت اجتناب کند. و یا بجای اینکه مستقیماً با مشکلات روبرو شود، سعی در نادیده گرفتن و گریز از آنها را دارد. چنین فردی فاقد اعتماد به نفس می باشد و نگرش منفی او، مشکلات زیادی را در زندگی بوجود می آورد (رابینز¹ و همکارانش، 2001).

همچنین اگر فردی برون گرا نباشد، نمی تواند در اجتماع موفق باشد و یا اینکه دوست دیگران باشد و یا در محیط کاری اش خلاق باشد و در صورت بروز مشکلات، به توانایی های خود اتکا نمی کند و از جامعه گریزان می شود. (رابینز و همکارانش، 2001).

معلولیت از دیرباز همراه بشر بوده است اما برخی از معلولین قادرند بصورتی با معلولیت خود کنار آیند که برای اغلب ما تعجب آور است. تفاوت هایی که در آنها وجود دارد هرگز نتوانسته است زندگی عادی شان را بعنوان کودک یا بزرگسال مختل سازد. یک گروه از این معلولیت ها، معلولیت ناشنوایی است که

¹Robins

محروم بودن از حس شنوایی فقط به مفهوم شنیدن صدا نیست، بلکه ما حاصل این محرومیت موجب عدم امکان دستیابی به بسیاری از تجربیات مفید و امیدبخش زندگی فردی و اجتماعی گردیده است تا جایی که ممکن است فرد را از مسیرهای موفقیت آمیز زندگی دور نماید. از این رو شناخت مشکل و معضل ناشنوایی، یافتن راههای مناسب آموزشی و ارتباطی و بوجود آمدن امکانات لازم به منظور یاری نمودن افراد ناشنوا حایز اهمیت بسیاری است. (کورکر¹، 1990، ترجمه موللی 1380).

ناشنوا فردی است که قبل از زبان آموزی یا پس از آن شنوایی خویش را به کلی از دست داده باشد. بدان معنی که نه قادر به شنیدن است و نه می تواند صحبت سایرین را مستقیماً از راه گوش درک کند. ناشنوا حتی با استفاده از سمعک نیز بخوبی قادر به تشخیص صداهای محیط نیست (بهادر، پیروزی، تهران زاد، قاسمی شاد، موسوی و همکاران، 1368)

همچنین مفهوم کم شنوا به شخصی اطلاق می گردد که دچار اختلال شنوایی شده و میزان شنوایی اش کاهش یافته باشد. ولی دارای باقیمانده ای از شنوایی بوده و می تواند با استفاده از سمعک صداهای پیرامون خود را شنیده و درک کند (کتز²، 2005)

گروه دیگری از معلولین، نابینایان است، مثل تمام افراد معلول، فرد نابینا می خواهد که با وی همچون سایر افراد رفتار شود. تعداد زیادی از افراد نابینا نمی خواهند مورد ترحم قرار گیرند و حتی از کمک های غیرضروری دیگران بهره مند شوند. با وجود اینکه در بعضی موقعیتهای ممکن است به کمک نیازمند باشند، اما در اصل ترجیح می دهند که مستقل باشند. آنها به توجه دیگران نسبت به خود ارجح می نهند، اما مایلند که افراد بجای اشاره کردن به تفاوت هایشان از مشابهت هایشان گفتگو کنند. نقص بینایی بیش از هر معلولیت دیگر ناتوانی بار می آورد. تعداد زیادی از افراد عقب مانده ذهنی از نظر ظاهری با دیگران فرقی ندارد، درحالی که فرد نابینا نشانه های زیادی دارد که او را از دیگران متمایز می سازد. از قبیل: عصای سفید، عینک های سیاه و ضخیم و... دلیل دیگری که ما را از نابینایی بیشتر می ترسیم بخاطر نقشی است که چشمها در روابط اجتماعی باز می کنند. شاعران، نمایشنامه نویسان، و ترانه سرایان از قدیم الایام به تاثیرات عاطفی چشمهایی برده اند. همه ما نیز با صحنه های ناراحت کننده ای که ضمن صحبت با کسی که به چشمهای ما نگاه نمی کند تاکنون مواجه بوده ایم. به این مساله فکر کنید که چند بار از افراد شنیده اید که گفته اند، دوست دارند بجای این که در تلفن با کسی صحبت کنند، بصورت رویارویی با او به گفتگو بنشینند. منطقی است حالت چشمها مشخص کننده این است که بینم تا چه اندازه، صحبت هایمان بر دیگران تاثیرگذار است. (هالاها³، کافمن⁴ 1944، ترجمه جوادیان 1378).

¹:Corker

²katz

³hallahan

⁴Kauffman

از نظر تربیتی افراد نابینا به کسانی اطلاق می شود که نقص بینایی شان به اندازه ای شدید است که مجبورند خواندن را بوسیله بریل یا با استفاده از روشهای سمعی (نظیرنوارهای شنوایی و صفحات گرامافون) یاد بگیرند. افراد نیمه بینا کسانی هستند که می توان از طریق وسایل اگر اندیسمان یا کتابهایی که با خطوط درشت چاپ شده اند، خواندن را به آنها آموخت. (هالاها، ن، کافمن، 19440، ترجمه جوادیان 1378).

معلولیت بینایی می تواند در هر سنی بوجود آید، چنانکه معلولیت شدید بینایی از بدو تولد وجود داشته باشد «معلولیت بینایی مادرزاد»¹ نامیده می شود. افرادی که پس از تولد (بخصوص پس از دو سالگی) نابینا می شوند «نابینای اکتسابی»² می نامند. در نابینایانی که پس از دو سالگی بینایی خود را از دست می دهند خاطره آنچه دیده اند باقی می ماند و این خاطرات آنان را در یادآوری شباهتهای بعضی از اشیاء یاری می کند. هر چه معلولیت بینایی دیرتر بوجود آید میزان یادآوری بیشتر خواهد بود (نامنی و همکاران، 1381)

مدارک متناقض زیادی درباره اینکه افراد مبتلا به نقص بینایی در مقایسه با همسالان بینایی خود سازگاری کمتری از خود نشان می دهند، وجود دارد، از آنجا که تحقیقات نشان نداده اند که کودکان نابینا و کم بینا کلاً ناسازگاری از خود نشان می دهند، ما می توانیم نتیجه بگیریم که وجود مشکلات شخصیتی یک شرط لازم برای نابینایی نمی باشد. ناسازگارهایی که در فرد نابینا مشاهده می شود، این بیشتر بخاطر برخوردهای نادرستی است که جامعه و اطرافیان نسبت به آنها اعمال داشته اند.

از آنجا که نحوه ارتباط در رشد اجتماعی و شخصیتی فرد نقش حیاتی دارد. بنظر می رسد که افراد ناشنوا و کم شنوا با مسائل بیشتری در زندگی، از جمله زندگی اجتماعی و شغلی خود مواجه می باشند. اما، عامل تعیین کننده در این که آیا افراد ناشنوا و کم شنوا، دچار مشکلات رفتاری خواهند شد، به این بستگی خواهد داشت که تا چه میزان اطرافیان ناتوانی او را بپذیرند تا نپذیرند. انزوای اجتماعی این کودکان از جمله شنوایان، گاهی باعث می شود که افراد ناشنوا و کم شنوا با همدیگر معاشرت کنند. در واقع، جامعه ای که ناشنوایان برای خود تشکیل می دهند بصورتی استثنایی برایشان پیر جاذبه است. برخی از مقامات، آموزش مهارتهای اجتماعی را به دانش آموزان ناشنوا و کم شنوا توصیه کرده اند، به این منظور که به آنها یاد داده شود تا چگونه بر حالت کم رویی و گوشه گیری خود غلبه کنند.

بطور کلی شواهد بسیار کمی وجود دارد که نشان دهد افراد نابینا و کم بینا در مقایسه با افراد عادی که سن عقلی یکسانی با آنان دارند، عقبتر باشند، دستاورد دیگری بیان می کند که پیشرفت تحصیلی کودکان نابینا به اندازه پیشرفت تحصیلی کودکان ناشنوا و کم شنوا دچار آسیب نمی شود. در زمینه یادگیری، حس شنوایی بنحو آشکاری مهمتر از حس بینایی است. این نکته نیز شایان توجه است که انگیزه هایی را که برای

¹ Congenital visul impairment

² Advantitously blind

یادگیری از اهمیت برخوردارند، در کودکان نابینا بهتر و مؤثرتر از کودکان ناشنوا و کم شنوا می توان بوجد آورد. (هالاها، کافمن، 1944، ترجمه جوادیان، 1378).

با توجه به مطالب بالا که تفاوت های فردی در افراد عادی و معلول وجود دارد پژوهش حاضر به دنبال مقایسه سبک های یادگیری و ویژگی های شخصیتی این افراد می باشد.

1-3- اهمیت و ضرورت تحقیق

از آنجائی که شخصیت انسان از تجاربی که فرد با محیط به دست می آورد شکل می گیرد و همچنین نوع آموختن و یادگیری انسانها به نحوه ارتباط و تعامل حس های انسان با محیط برمی گردد لذا احتمالاً گروه معلولین ویژگی های شخصیتی و سبک یادگیری متفاوتی با بقیه انسانها دارند. که لزوماً چون قشر وسیعی از انسان ها معلولین می باشد پس پژوهش در ارتباط با ویژگی های شخصیتی و سبک یادگیری لازم و ضروری به نظر می رسد.

با شناخت شخصیت شخص یا الگوهای معمولی پاسخ فرد در موقعیتهای مختلف میتوانیم رفتار فرد را در موقعیت های مختلف و جدید، پیش بینی کنیم لذا شناخت ویژگیهای شخصیتی بسیار لازم و ضروری است (آزاد، 1373)

مطالعه نمودن رفتار یک شخص در حقیقت تعیین کننده ویژگیهای شخصیتی آن شخص است و لذا با شناخت رفتار فرد، می توانیم رفتارهایی که این فرد در موقعیت های مختلف انجام می دهد را پیش بینی بکنیم. و تحقیق در شخصیت به معنای چگونگی تفاوت افراد در ادارک و نحوه، ارتباط این تفاوتها با کشش کلی انسان است. (دلیلی، 1375)

معلولیت از جمله مفاهیمی است که همواره در طول تاریخ زندگی بشر وجود داشته و خواهد داشت و ریشه کنی صددرصد آن غیرممکن است. از میان معلولیتهای مختلف، کم شنوایی بدلیل آنکه بسیاری از تواناییهای فرد را برای سازگاری با محیط از وی سلب می کند از جمله معلولیتهای مهم ارتباطی تلقی می شود و اختلالات ارتباطی در افراد دچار معلولیت شنوایی بیشتر از معلولیتهای دیگر بروز می کند تا حدی که موجب نوعی عقب ماندگی و ناتوانی در رشد ذهنی و عقلی می گردد. بنابراین یادگیری که اساسی ترین توانایی انسان است تحت تاثیر حس مهم شنوایی دچار اختلال می گردد. (گورابی، 1381)

و همچنین معلولیت بنیایی نیز بدلیل نقص در بینایی از حواس دیگر خود استفاده می کنند که قطعاً نحوه یادگیری آنان نیز بگونه ای دیگر می باشد که لزوم دارد سبک یادگیری به عنوان یک موضوع مورد مطالعه قرار گیرد.

از آنجائی که سبک های یادگیری بیشتر از محیط دریافت می شوند یا اکتسابی هستند و چون نابینا و ناشنوا با افراد عادی از محیط یکسان تأثیر نمی پذیرند مسلماً سبک های یادگیری آنها یکسان نیست. در حقیقت بررسی سبکهای شناختی یادگیری معلولین ناشنوا و نابینا می تواند به درک شفافتری از سبک یادگیری این گروه از معلولین گردد که همین موضوع باعث می گردد که معلمین سبک یادگیری این گروه از معلولین را بخوبی درک کنند و مطابق با سبک یادگیری آنان به تدریس و شیوه حل مساله بپردازند. و بدین ترتیب باشناخت سبکهای یادگیری این گروه از معلولین، می توان گامی در جهت اصلاح و عملکرد بالای یادگیری آنان برداشت.

بنابراین می توان اینگونه خلاصه نمود که پیامدهای نقص جسمی بر رشد شخصیت تأثیر گذار است (مک گوایر و میرز،¹ 1971)

لوفلد² (1980) چنین نتیجه گرفت که نقص بینایی، فرد را بیشتر در معرض فشار عصبی، احساس ناایمنی، و اضطراب قرار می دهد.

با توجه به اینکه معلولین ناشنوا و نابینا قشری از جامعه هستند که والدین و معلمین در جهت آموزش به آنها مشغول هستند. به همین منظور پژوهش حاضر به دنبال مقایسه سبک یادگیری و ویژگی های شخصیتی آنان با افراد عادی می باشد.

1-4- هدف پژوهش

1- بررسی و مقایسه ویژگیهای شخصیتی و سبک یادگیری دانش آموزان عادی و ناشنوا و نابینا

1-5- فرضیه ها

- 1) بین مؤلفه فعالیت گرایی در سبک یادگیری افراد عادی، نابینا و ناشنوا تفاوت معنادار وجود دارد.
- 2) بین مؤلفه اندیشه گرایی در سبک یادگیری افراد عادی، نابینا و ناشنوا تفاوت معنادار وجود دارد.
- 3) بین مؤلفه عملگرایی در سبک یادگیری افراد عادی، نابینا و ناشنوا تفاوت معنادار وجود دارد.
- 4) بین مؤلفه نظریه پرداز در سبک یادگیری افراد عادی، نابینا و ناشنوا تفاوت معنادار وجود دارد.
- 5) بین میزان روان نژندگرایی در ویژگی های شخصیتی افراد عادی، نابینا و ناشنوا تفاوت معنادار وجود دارد.

¹Mcguire , L.L & Meyers , C.E

²Lowenfeid